

مروری بر یک رخداد

به نام بانکداران به کام واشنگتن

علی تجماع

جهانیان بر این امر تأکید دارند که با وجود پایبندی ایران به تعهداتش، آمریکا همچنان از اجرای تعهدات خود برای رفع تحریم‌ها خودداری کرده و حتی با ایران هراسی به دنبال استمرار تحریم‌هاست. نکته قابل توجه در رفتارهای آمریکا انتشار اخباری درباره دیدار مقامات آمریکایی با بانک‌های بزرگ جهان است. کری، وزیر خارجه آمریکا در دیدار با مدیران ارشد هشت بانک بزرگ اروپایی در لندن، پایتخت انگلیس، گفت: «بانک‌ها تا آنجا که احتیاط‌های لازم را به کار می‌بندند و می‌دانند که در حال مبادله با چه کسی هستند، با معیارهای (قانونی) نامناسب و غیرمشخص روبرو نخواهند شد.» پس از این دیدار محافل رسانه‌ای و سیاسی غرب از عدم رویکرد بانک‌ها به ایران سخن گفتند. وی همچنین با هاموند، همتای انگلیسی



خود نیز دیدار داشت و او نیز ادعای لزوم تغییر رفتار ایران برای جلب اعتماد بانک‌ها را مطرح کرد.

هر چند آمریکایی‌ها ادعا دارند که به دنبال اجرای تعهدات‌شان در قبال ایران هستند، اما محتوای اخبار منتشر شده نشان می‌دهد، این اخبار بیش از هر چیز در قالب فرار از فشار افکار عمومی درباره بدعهدی‌های آمریکا منتشر می‌شود و هدف از آن، مقصر نشان دادن ایران است. آمریکا از یک سو چهره‌ای مثبت از خود به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر رفتارهای ایران را دلیل دوری بانک‌ها، شرکت‌ها و کشورها از ایران معرفی می‌کند؛ چنانکه سران آمریکا بارها ادعا کرده‌اند به دلیل رفتارهای تحریک‌آمیز ایران در منطقه، کشورها و شرکت‌ها جرئت سرمایه‌گذاری در چنین کشوری را ندارند. نکته قابل توجه آنکه آمریکا با ادعای استقلال بانک‌ها در رفتارشان، ادامه تحریم‌ها را توجیه می‌کند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا در زمان اعمال تحریم‌ها، آمریکا نمی‌گفت که بانک‌ها استقلال دارند و از تمام ابزارهای فشار برای دوری آنان از ایران استفاده می‌کرد و حال که باید برای رفع تحریم‌ها اقدام کند، ادعای استقلال بانک‌ها را مطرح می‌کند؟

این نوع رفتار آمریکانشان می‌دهد، آمریکا با دیگر آن قدرت اقتصادی جهان نیست

دیپلماسی

فرامرز پارسا

ایران تغییر نکرده است

«تغییری در رفتار ایران مشاهده نمی‌شود»، «تغییری در رفتارهای ایران روی نداده»، ایران همچون گذشته است و تغییر رفتار نمی‌دهد»، اینها کلیدواژه‌هایی است که همواره در ادبیات گفتاری برخی سرران کشورهای عربی و غربی مشاهده می‌شود. افرادی مانند الجبیر، وزیر خارجه سعودی؛ کری وزیر خارجه آمریکا و اوپاما، رئیس‌جمهور این کشور در سخنان خود به این امر اشاره می‌کنند که تغییری در رفتار ایران صورت نگرفته است. البته آنها در ادامه بر ادامه تحرکات و فشارها به منظور تغییر رفتار ایران تأکید می‌کنند. حال این پرسش مطرح می‌شود که رفتارهای منطقه‌ای ایران چه بوده و در صورت تغییر، باید به چه سمت و سویی حرکت خواهد کند؟ جمهوری اسلامی همواره امنیت منطقه را امنیت خود دانسته و در این راه نیز اقدامات گسترده‌ای انجام داده است، چنانکه جهانیان اذعان دارند، توان دفاعی ایران زمینه‌ساز امنیت منطقه و به ویژه سبب جلوگیری از تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورهای منطقه شده است. ایران در عرصه مبارزه با تروریسم در صدر قرار دارد و اگر جانفشانی‌های مردان ایران‌زمین در جبهه مقاومت نبوده، اکنون تروریسم سراسر منطقه و حتی جهان را فراگرفته بود. ایران همواره بر حمایت از فلسطین و آزادی سرزمین مقدس مسلمانان تأکید داشته و در این راه از هیچ حمایتی دریغ نداشتنه است. جمهوری اسلامی حضور بیگانگان در منطقه را مخل امنیت و پیشرفت منطقه می‌داند و از کشورهای منطقه در برابر سلطه‌گری آمریکا حمایت می‌کند. اولویت ایران همواره نزدیکی و دوستی فراگیر میان تمام همسایگان است و حتی با کشورهای که در طول هشت سال جنگ تحمیلی در کنار رژیم بعث عراق، علیه ایران اقدام کرده‌اند، با گذشت و بخشش رفتار کرده است.

ایران وحدت جهان اسلام را اصلی مهمی در سیاست خارجی خود دانسته و در این راه تلاش‌های گسترده‌ای داشته است. جمهوری اسلامی همواره تعیین سرنوشت را حق ملت‌های منطقه دانسته و تأکید دارد، بیگانگان حق دخالت در امور ملت‌ها را ندارند و نباید با تشکیل دولت‌های غیرمردمی و دست‌نشانده حاکمیت خود را بر ملت‌ها تحمیل کنند.

مجموع رفتارهای جمهوری اسلامی در عرصه منطقه‌ای نشان‌دهنده یک اصل مهم است و آن، اینکه ایران هیچ دخالتی در امور کشورهای منطقه نداشتنه و تمام امکانات و ظرفیت‌های خود را برای دوستی و نزدیکی به همسایگان و مقابله با سلطه‌گری بیگانگان بر منطقه به کار می‌گیرد. ایران قلب تپنده امنیت و ثبات منطقه است. حال این پرسش پیش می‌آید که چرا کشورهایی، مانند آمریکا و مهره‌های منطقه‌ای آن بر تغییر رفتار ایران اصرار دارند؟ پاسخ به این پرسش را در رفتارهای منطقه‌ای آنان می‌توان جست‌وجو کرد. رفتارهای این کشورها نشان می‌دهد، اولویت برنامه آنها، نابودسازی منطقه و سلطه بر کشورهاست. رویکردی که برای آن هیچ محدودیتی قائل نیستند، چنانکه حتی از تروریسم برای نابودی منطقه بهره گرفته‌اند. آنان در برنامه‌های خود صرفاً یک اصل را دنبال می‌کنند که همان تسلیم‌سازی تمام کشورها در برابر زیاده‌خواهی‌های خود است. با توجه به رفتارهای این کشورها می‌توان گفت، تغییر رفتار ایران در منطقه با معیار آنان، به معنای تبدیل شدن ایران به کشوری، مانند عراق و سوریه است که سراسر آن را بحران و ناامنی فراگرفته است. به عبارت دیگر، منظور آنها از تغییر رفتار ایران این است که کشورمان در برابر سلطه‌گری بیگانگان بر منطقه سکوت کند و دردهای تحمیل‌شده بر جهان اسلام و منطقه را نادیده بگیرد.

با توجه به آنچه گفته شد، وقتی آمریکا و متحدانش اذعان دارند که ایران تغییری در رفتارشان نداشتنه است، یعنی اینکه جمهوری اسلامی همچنان کانون امنیت و ثبات منطقه است و حاضر نیست اصول خود را در تحقق این مهم کنار نهد، برآستی، جمهوری اسلامی ایران در برابر سلطه‌گری‌های بیگانگان در منطقه کوتاه نخواهد آمد و استقلال

و آزادی خود و دیگران را یک اصل مهم می‌داند.

مروری بر مذاکرات آمریکا با بانک‌ها درباره ایران

مسئله

رهیافت

نگاهی به روند مذاکرات یمن

مذاکرات بی‌نتیجه صلح

محمدرضا فرهادی

ناقض مذاکرات سیاسی بود. از سوی دیگر، آتش‌بس در یمن فرصت مناسبی برای انصارالله فراهم می‌آورد که به نوعی به مسائل و مشکلات داخل یمن بپردازد و به نوعی نافرمانی مدنی را که می‌تواند در آینده گریبان این جنبش را بگیرد، رفع کند. ذکر این نکته ضروری است که آتش‌بس در یمن برخلاف سوریه تابعی از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان است و این کشور بر مبنای منافع خود حملاتی را در نقض آتش‌بس انجام داد. ۴- سیاست اصلی عربستان تا زمان ریاست جمهوری بعدی در آمریکا همچنان سردرگم است. دولت اوپاما که از همان ابتدا با جنگی محدود در یمن و در بازه زمانی اندک موافقت کرد، با گسترده شدن جنگ و طولانی شدن آن به نوعی مخالف با ادامه جنگ است. هر چند جنگ یمن از نظر فروش تسلیحات منافع زیادی برای آمریکا به دست آورده؛ اما اوپاما در منطقه‌ای، همچون سوریه با یمن را به پایان برساند. بنابراین، عربستان درصدد است که با پشتیبانی وسیع و حملات گسترده به نوعی انصارالله را تحت فشار قرار دهد تا بتواند در آینده امتیاز خاصی برای خود کسب کند.

۵- مروری بر رویدادهای گذشته و مذاکرات پیشین به خوبی نشان داده است که مذاکره تنها برای خریدن زمان است. عربستان که ابتدا قصد داشت خود به طور مستقیم انصارالله را شکست دهد، با شکست در این عرصه عملاً به دنبال ورود تروریست‌های القاعده برای مبارزه با انصارالله است. بنابراین، عربستان به بهانه مذاکرات و بنا بر توافق صورت‌گرفته با انصارالله مبنی بر عملیات زمینی به نوعی با تحریک سایر گروه‌های تروریستی درصدد پیش بردن منافع خود است؛ چون آتش‌بس بین عربستان و انصارالله برقرار شده و تروریست‌ها جزئی از توافق آتش‌بس نیستند و هر عملی از سوی آنها نمی‌تواند بهانه‌ای مبنی بر نقض آتش‌بس به انصارالله بدهد. در نتیجه، عربستان اگر چه به صورت تلویحی آتش‌بس را تا حدودی رعایت کرده، اما با تحریک تروریست‌ها همان اهداف قبلی خود را دنبال می‌کند و بر حمایت از تروریست‌ها تأکید دارد.

در نهایت باید گفت، پیش‌شرط‌های مطرح‌شده در مذاکرات یمن، عامل اصلی در شکست مذاکرات صلح کویت بود. هر چند روند برگزاری این مذاکرات می‌تواند انصارالله را به وزنه‌ای در داخل و خارج یمن تبدیل کرده و این جنبش را به بازیگر اصلی در داخل یمن تبدیل کند، اما طرف مقابل به هیچ‌وجه قابل اعتماد نیست و نمی‌توان به آنها اعتماد کرد.

اقتصادی

سعید مهدوی

ضرورت به روز رسانی بانکداری اسلامی

اگر بخواهیم نگاهی منصفانه به بانکداری جاری در کشور داشته باشیم، نه می‌توان به صورت افراطی اظهار کرد که نشانی از بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور وجود ندارد و نه با ذوق‌زدگی می‌توان گفت که آنچه در نظام بانکی کشور اجرا می‌شود، دقیقاً همان چیزی است که بانکداری اسلامی در نظر دارد. در سال ۱۳۵۸ اقداماتی در جهت اسلامی کردن نظام بانکی به عمل آمد که این اقدامات را می‌توان در کوشش‌های اولیه برای حذف بهره و برقراری کارمزد در نظام بانکی و تأسیس بانک اسلامی و توسعه صندوق‌های قرض‌الحسنه خلاصه کرد. در همین رابطه مجلس در سال ۱۳۶۲ قانونی را با عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب کرد که از سال ۱۳۶۳ اجرایی شد. اکنون ۳۳ سال از زمان تصویب «قانون عملیات بانکی بدون‌ربا» در مجلس شورای اسلامی می‌گذرد. آن زمان قرار شد تا سال ۱۳۶۷، یعنی پنج سال پس از تصویب، در قانون بانگزری شود و هر پنج سال یکبار این قانون بازبینی شود، اما هرگز این اتفاق رخ نداد و از آن روز تا به حال همه دولت‌ها در پی اصلاح نظام بانکی بوده‌اند و هرگز این مهم انجام نشده است. آنچه اهمیت دارد، این است که قانون بانکداری بدون ربا در فضایی طراحی شد که با اقتصاد امروز ایران کاملاً متفاوت است. در حال حاضر علاوه بر افزایش تعداد بانک‌ها، تشکیل بانک‌های خصوصی، ایجاد مؤسسات اعتباری، تعاونی‌های اعتباری و لیزینگ‌ها و… را نیز شاهد هستیم و تمامی اینها باید از قانون بانکداری بدون ربا تبعیت کنند و قانون بانکداری باید شامل حال این سازمان‌های جدید نیز بشود. از سوی دیگر در حال حاضر نظام بانکداری در کشور متناسب با شرایط حوزه‌های تخصصی و مباحث فقهی و اسلامی نبوده و مراجع عظام تقلید و مردم به نوعی از این وضعیت گله دارند. از این رو می‌تلبد تغییرات جدی در حوزه بانکداری کشور صورت گیرد. قانون کنونی بانکداری و اجرای نادرست آن و همچنین نبود نظام‌های نظارتی کارآمد مشکلات و نواقص فراوانی را در اقتصاد کشور موجب شده است. صوری بودن عقود بانکی و عدم ایجاد رابطه تعهدی بین دو طرف، گرایش بانک‌ها به عقود مبادله‌ای به جای عقود مشارکتی، اهتمام ضعیف به سنت قرض‌الحسنه، وابسته شدن مشتریان بانک به نرخ سود ثابت و توافقی، وجود صورت‌حساب‌های صوری برای گرفتن وام، جنبه مشورتی بودن شورای فقهی در بانک مرکزی، از همه مهم‌تر بنگاه‌داری بانک‌ها و اهتمام به فعالیت‌هایی غیر از اهداف مشخص آنها مانند دلالی و واسطه‌گری، ضعف نظارتی بانک مرکزی و ابهام در تعیین نرخ سود توسط شورای پول و اعتبار تنها برخی از مشکلات آشکار این روزهای بانکداری اسلامی است. قانون بانکداری جدید نیز شامل ویژگی‌هایی از جمله: تشکیل شورای فقهی بانک مرکزی یا چارچوب وظایف مشخص، تعریف سپرده قرض‌الحسنه، جاری، سپرده عام، سپرده خاص و انتشار اوراق بهادار اسلامی، تغییر رابطه سپرده‌گذار قرض‌الحسنه از قرض به وکالت، اصلاح جریمه دیرکرد، تعیین نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری عام براساس ۵۰ تا ۷۰ درصد «سود تحقق‌یافته» دوره مالی قبل، می‌باشد. لذا قانون بانکداری اسلامی جدید با اهداف: ۱- تأمین ثبات و سلامت نظام پولی و بانکی؛ ۲- استقرار نظام بانکداری برمبنای حق و عدل و منطق با احکام فقه اسلامی؛ ۳ - کارآمدسازی نظام تأمین مالی در جهت حمایت از بخش واقعی اقتصاد کشور و ۴-صیانت از حقوق سپرده‌گذاران، تدوین شده که از یک سو در مجلس شورای اسلامی معطل بررسی و تشکیل جلسه کمیسیون اقتصادی است و از سوی دیگر با مخالفت افرادی از بدنه بانک مرکزی، دولت و حتی نمایندگان از مجلس از زمان مطرح شدن این رویه‌رو است.

پایش

اختلاف در صحن علنی

محسن فخری

نزدیک به کارگزاران نیز درباره ریاست مجلس نوشت: «اصلاح‌طلب و اصولگرا بودن نمایندگان تفاوتی ندارد و به آنچه می‌اندیشد هدایت مجلس به سمتی است که نمایندگان مصوباتی برای رفاه و آرامش مردم داشته باشند. شاید یکی از مؤلفه‌هایی که لاریجانی را پیروز انتخابات مصلحت‌اندیشی می‌کند، اعلام کرد: من به هیچ‌کس نمایندگی نداده‌م که از جانب من سخن بگوید» و در جای دیگری نیز مشخص کرده و دیگر برای او اصولگرا یا اصلاح‌طلبی که به دنبال منافع مردم

بازدم را ترک کرده است، گویا این بار قصد واگذاری میدان به علی لاریجانی، رقیب اصولگرای خود را ندارد و حتی گاهی در واکنش به خیر کناره‌گیری می‌کند کسانی که با رأی مردم به لیست امید به مجلس دهم راه یافته‌اند در فراکسیون امید عضو شده و با پیروی از خرد جمعی فراکسیون، پاسدار امانتی باشند که مردم به اعتبار لیست امید در اختیار آنها قرار داده‌اند.» اما همه این اختلافات به تشکیل فراکسیون‌ها در مجلس آینده ختم



ریاست مجلس سخن به میان آمده است، گفت: «اگر آن روزنامه و رسانه دیگری تعیین تکلیف می‌کند و دستور بنشینند نیز بسیار جدی است؛ اختلافی که حتی پیش از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه سال گذشته نیز در رسانه‌های کشور بارها و بارها خود را نشان داد و همچنان نیز مشاهده می‌شود. محمدرضا عارف از چهره‌های اصلاح‌طلب که به عنوان نفر اول حوزه انتخابیه تهران راهی مجلس شورای اسلامی شده و یک بار با فشار افرادی که امروز هم مخالف ریاست او بر مجلس هستند، صحنه انتخابات ریاست جمهوری

نمی‌شود و شواهد فراوانی نشان می‌دهد که اختلاف‌نظر در میان اصلاح‌طلبان درباره اینکه چه کسی بر کرسی ریاست بنشیند نیز بسیار جدی است؛ اختلافی که حتی پیش از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفند ماه سال گذشته نیز در رسانه‌های کشور بارها و بارها خود را نشان داد و همچنان نیز مشاهده می‌شود. محمدرضا عارف از چهره‌های اصلاح‌طلب که به عنوان نفر اول حوزه انتخابیه تهران راهی مجلس شورای اسلامی شده و یک بار با فشار افرادی که امروز هم مخالف ریاست او بر مجلس هستند، صحنه انتخابات ریاست جمهوری